



تقابل اسرائیل و ایران: پیامدها و راه حل‌ها

یادداشت **سیدحسین موسویان**
در نشریه شورای سیاست خاورمیانه آمریکا



از وزارت رضا شاه تا ریاست جبهه ملی

بازخوانی کارنامه سیدباقر کاظمی و سیدعزالدین کاظمی



از چاله به چاه؟

روایت **سپهر خرمی** از واگذاری پرسپولیس و استقلال
به بانک‌ها و هلدینگ‌ها و واکنش‌های آن



صادرات اجباری

درباره راهکار بخش خصوصی برای جبران کمبود تقاضا در بازار داخلی



فرصت مذاکره؟

سید ابراهیم رئیسی در مراسم روز ارتش گفت که گزینه نظامی روی میز آمریکایی‌ها نیست
آیا اوج‌گیری تنش با اسرائیل می‌تواند زمینه‌ساز احیای مذاکره با آمریکا شود؟

گزارش
دیپلماسی
۲۰۳

حسن بهشتی پور تحلیلگر مسائل سیاست خارجی

صادق زیباکلام استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

ایران در شرایط کنونی باید با آمریکایی‌ها به مذاکره مستقیم بپردازد. ایران پاسخ مناسب خود را در پی حمله اسرائیل به کنسولگری اش در دمشق ارائه داد و حالا وقت آن است که با آمریکا وارد مذاکره مستقیم شود زیرا بهترین موقعیت برای مذاکره است و حالا دیگر کسی به دلیل چنین مذاکره‌ای متهم به سازش کاری نمی‌شود. مذاکره در شرایط کنونی که از نظر نظامی هم در موقعیت خوبی قرار داریم، عین خردورزی است. مجموع این دیدگاه‌ها چنین به دست می‌دهد که اکنون دو واقعیت وجود دارد: نخست آنکه آمریکا و اسرائیل درباره حمله به ایران اختلاف نظرهای جدی دارند و دوم آنکه ایران می‌تواند با بهره‌گیری از ابزارهای دیپلماتیک از چنین فضایی به نفع خود بهره‌برد.



جو بایدن به هیچ وجه نمی‌خواهد که چه آمریکا و چه اسرائیل با ایران مواجهه نظامی داشته باشند. آمریکا می‌داند اگر اسرائیل، ایران را بزند، ماجرا تمام نمی‌شود و ایران پاسخ می‌دهد و درگیری بالا می‌گیرد و حتماً پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه هم هدف ایران قرار می‌گیرد و این آتش شعله‌ور شده و به این سادگی‌ها خاموش نمی‌شود. این را هم بگویم که چنین شرایطی به نفع روسیه است زیرا توجه غربی‌ها را از جنگ اوکراین به خاورمیانه معطوف می‌کند. بایدن در عین حال می‌داند اگر جنگی در بگیرد ممکن است چین از این موقعیت استفاده کند و تایوان را تسخیر کند و طبیعی است در آن شرایط برای آمریکا سخت است که به مقابله با چین هم برود. همه این شرایط باعث شده است که آمریکا نخواهد جنگی با ایران در بگیرد.

گزارش
دانشگاه
۴۰۵

قانونگذاری با نتیجه معکوس

ارزیابی پژوهشگران از روند اجرای قانون جوانی جمعیت و سیاست‌های جمعیتی دود دهه اخیر

نادرست خانواده‌ها و جوانان نیست. در واقع مردم از ازدواج و فرزندآوری روی گردان نشده‌اند بلکه سیاست‌های نادرست اقتصادی آنان را ناامید از ازدواج و فرزندآوری کرده است. لذا صدها هزار میلیاردری که باید صرف اشتغال و سرمایه‌گذاری می‌شد در چاه وین این قانون ریخته شد و نتیجه آن کاهش ۱۵ درصدی ازدواج و کاهش بیش از ۵ درصدی فرزندآوری و افزایش مرگ و میر و کاهش میانگین سن افراد فوت شده است به عبارت دیگر دستاوردهای بزرگ و البته منفی این قانون هستند. نتیجه هر قانونی که در خارج از صحن مجلس و به دور از چشم مردم نوشته شود و بودجه‌های عمومی را در مسیر آن تلف کنند و تورم سنگینی را به مردم بار نمایند بهتر از این خواهد بود. تا اینجا می‌توان تحمل کرد اگر تن به ارزیابی می‌دادند و شجاعت تغییر دادن سیاست زیان‌بار و غیرعقلانه را می‌داشتند. در هر حال زیان را هر جا متوقف کنیم باز هم سود است. ولی این قانونگذاران که معلوم نیست دنبال چه هستند شجاعت و صداقت لازم را برای اعلام شکست و تغییر این ریل ندارند. اگر قرار بود در نتیجه اجرای این قانون، ازدواج و فرزندآوری زیاد و طلاق کمتر شود، روند هر سه مورد معکوس شده است. چرا؟

چه نظامی (سیستمی) سالم و کار است؟ هر نظامی شامل سه بخش است: اول ورودی‌ها یا درون‌داده‌های آن هستند. دوم فعل و انفعالات درونی نظام که این ورودی‌ها را با هم ترکیب می‌کند تا خروجی یا خروجی بیرون داد تولید کند. برون‌داده‌هایی که تأمین‌کننده اهداف نظام است. به نظامی سالم می‌گویند که در درجه اول ارزش برون‌داده‌های آن به صورت متعارف بیشتر از دریافتی‌های آن باشد. بعلاوه این خروجی‌ها مطابق اهداف تعیین‌شده باشد و مهمتر اینکه خروجی‌ها منجر به تقویت ورودی‌های جدید به نظام شود. برای سنجش این شرایط همیشه باید عملکرد نظام را بررسی و پایش و سپس پالایش و اصلاح کرد. گزارش امروز هم میهن درباره یکی از این عملکردها یعنی قانون فرزندآوری است؛ قانونی که بیش از دو سال است اجرا می‌شود و اکنون فرصت مناسبی برای بررسی کارایی آن است. اتفاقاً در خود قانون هم بر انجام این ارزیابی نوبه‌ای تأکید شده است. ولی دریغ از انتشار حتی یک خط گزارش از دستاوردهای این قانون بی‌فایده و حتی زیان‌بار. همه می‌دانیم که رشد جمعیت و فرزندآوری در ایران در حال تبدیل شدن به مسئله‌ای مهم است. ولی ریشه این مشکل در رفتار یا انگیزه‌های

سرمقاله

عملکرد نظام سالم

انقلابیون انتقادی

گفت‌وگو با فعالان دانشجویی درباره دیدار اخیر با رهبری و مواضع آنها در قبال وضع موجود

در رشد و سرنوشت افراد کاهش یافته است. گویی در دورانی که به تعبیر نیچه، «خدا مرده است» و انسان در پرتو جدایی از آسمان و تقدیرهای فرازمینی در جهت تعیین رفتار و شکل‌دهی اندیشه خود گام برمی‌دارد و نوعی سکولاریسم فلسفی بر زندگی بخش بزرگی از آدمیان سایه انداخته است؛ نقش عوامل زیست‌شناختی نیز کم‌رنگ شده است و با اقتباس از نیچه می‌توان مدعی شد: «ژنتیک مرده است». در جهان امروز، نه فقط انتسابات نسلی و شجره‌شناختی ملاک و معیار شرافت و اشرافیت نیست؛ بلکه بر خورداری از چنین مواردی، اغلب پارامتری منفی برای آقازادگان و نزدیکان و وابستگان سیاستمداران و مقامات و حتی ورزشکاران و هنرمندان نامدار محسوب می‌شود. چنان‌که چندسال قبل، سخن آقازاده‌ای درباره بهره‌مندی‌اش از «ژن خوب» موجب موجی از کنایه‌ها و انتقادهای علیه او، پدرش و حتی جریان سیاسی منتسب شد.

شیخ اجل سعیدی در یکی از ابیاتش که جایگاه ضرب‌المثل در میان فارسی‌زبانان یافته، می‌فرماید: «عاقبت گرگ زاده گرگ شود / گرچه با آدمی بزرگ شود». واژه «گرگ» و «گرگ‌زادگی» در این بیت، مصداق همان اصل است که در مثل مناقشه نیست. چنان‌که مصداق بیت سعیدی را می‌توان در عالی‌ترین سطوح بشری یافت و مثلاً موسی بن عمران یا یوسف کنعان را یاد آورد که در قصر فرعون و عزیز مصر بزرگ شدند؛ اما نه فقط خصلت فراغنه پیدا نکردند، بلکه بر مبنای ذات الهی خویش رشد یافتند و در نهایت، بر ساختار فرعون‌ی تاختند؛ یکی (موسی) با انقلاب و دیگری (یوسف) با استحاله و اصلاحات. با پیشرفت جوامع که با گسترش تحصیلات، تجربیات بیرونی، تأثیرات رسانه‌ای، تنوع الگوهای سبک زندگی و دیگر عوامل اکتسابی اجتماعی همراه بوده است، به نظر می‌رسد نقش عوامل ژنتیکی



محمد جواد روح